

اول مه روز جشن و امید به دنیایی عاری از بردگی مزدی

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) مناسبت فرارسیدن اول ماه مه

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

۳۵۲ هفتگی

۸ آوریل ۲۰۲۱ - ۱۹ فروردین ۱۴۰۰
پنجشنبه ها منتشر میشود



International Workers Day

1 MAY

Workers of the world, Unite!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

طبقه کارگر و قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

پس از شش سال رایزنی و مذاکره، قرارداد ۲۵ ساله میان دولتهای ایران و چین امضا شد. این قرارداد عکس العملهای بسیاری را در ایران و جهان به همراه داشته است. ... صفحه ۳

معیشت!

«جویبارهای خشمی که بهم

می پیوندند»

مظفر محمدی

در مقابل فقر و گرسنگی میلیونی توده های زحمتکش، علاوه بر سرکوب نظامی و امنیتی، کلیه ابزارهای تحقیر و تحمیق جمهوری اسلامی شبانه روز کار می کنند. تلویزیون، روزنامه ها، رادیوها، منبرها و نماز جمعه ها تماماً مملو از رذالت و دروغ و ریا و فریبند که کسی حتی یک کلمه اش را نمی تواند باور کند. همه جعلی و دروغ و تهوع آورند. خبرنگاران و روزنامه نگاران و مبلغین بورژوازی در پستی و رذالت سنگ تمام گذاشته اند.

تمام اتحاد ها و ائتلاف های بورژوازی چه در حکومت و چه در اپوزیسیون همگی برگردمحورنفرت از طبقه کارگر متحد شده اند. افزایش سرسام آور ثروت و قدرت که تماماً به طبقات دارا منحصر است، توسط طبقه کارگر تولید شده و میشود. ... صفحه ۴

بازی «انتخابات» و انتخاب واقعی مردم

امان کفا

طبق معمول هر چهار سال یکبار، با نزدیک شدن انتخابات، بحران درونی جمهوری اسلامی گسترده تر میشود و وضعیت بحرانی کل حاکمیت را در بر میگیرد. امسال اما، بر خلاف گذشته، جمهوری اسلامی نه با جناح بندی های درونی خود و تقسیم کرسی و قدرت در میان خود و انتخاب بین «بد و بدتر»، نه با وعده و وعید های سنتی و... قادر به عبور از آن نیست. طبقه کارگر و مردم ازادپخواه مدتها است علنا و رسماً، سوت پایان این امید های واهی را زده اند. مردمی که مدتها است دخالت در سرنوشت و آینده خود را نه از کانال شرکت در انتخابات پوشالی و انتخاب بین سیاه ترین مهره های حکومتی، بلکه از کانال اعتراض و مبارزه مستقل خود برای دستیابی به آزادی و رفاه و علیه کلیت حاکمیت، پیش میبرند. صفحه ۵

کتاب درسهای بدیهی برلین

چاپ دوم از انتشارات حزب حکمتیست (خط رسمی)

گسترش اعتراضات و عمیقتر شدن بحران حاکمیت!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

اول مه روز جشن و امید به دنیایی عاری از بردگی مزدی

وضع موجود خودنمایی کند. ایران در این روز میتواند رنگ اول مه، رنگ نوروز کارگران و خانواده های آنها را بر خود بخورد. تصور اینکه در اول مه امسال، در همه مراکز کارگری، در محلات کارگرنشین، در میدانی شهرها و هر جا که ممکن است، به فراخوان فعالین و رهبران پیشرو کارگران، تجمعات کارگری و خانواده های آنها، شاغل و بیکار، شکل میگیرد، صدای شادی، صدای اتحاد و همبستگی آنها، صدای نه گفتن آنها به جهنم نظام حاکم، به گوش همه میرسد، سخت نیست. اول مه امسال اعلام این واقعیت است که طبقه کارگر ایران یک قدم به جلو برای اتحاد طبقاتی خود برداشته است و یک قدم به رهایی نزدیک شده است.

اول مه روز اعتراض و همزمان روز جشن و سرور کارگران، روز نه گفتن یک طبقه بزرگ اجتماعی به جهنمی است که به نام زندگی به بشریت تحمیل کرده اند. اول مه روزی است که کارگران اعلام میکنند یک طبقه واحد جهانی با منافع مشترک خود، در مقابل بورژوازی اند. روزی که کارگران اعلام میکنند، تقسیمات جنسی، تقسیمات قومی، تقسیمات مذهبی، بومی و خارجی، بیکار و شاغل و... همگی خرافه و مردودند و همگی حربه های بورژوازی علیه خودآگاهی و اتحاد این طبقه است.

جامعه ایران در تب و تاب جدی است، حاکمیت در هراس و نگرانی از اعتراضات متحد کارگری و مردم محروم در بیم گسترش و قدرتمند شدن هر روزه کمونیستها در این طبقه و جامعه شب را روز میکند. تحولات آتی این جامعه در گرو عروج طبقه کارگر به عنوان صاحب جامعه، با افق و سیاست و صف مستقل خود با تشکلهای توده ای خود و با حزب پیشرو و سیاسی و کمونیستی خود است. اول مه مناسبتی برای نشان دادن قدرت و توان طبقه کارگر به جامعه و به دشمنان این طبقه، برای جاری کردن خونی تازه در رگهای جنبش کارگری، ایجاد اعتماد و همبستگی صفوف خود و عمیق کردن هراس از این قدرت در صفوف دشمنان طبقاتی خود است. این قدرت بزرگ و متحد رمز پیشروی جنبش طبقاتی ماست. اول مه روز جشن و امید به دنیایی عاری از استثمار و بردگی مزدی است. دنیای بهتری که طبقه کارگر مبشر آن است!

در اول مه امسال باید جهان صدای همبستگی طبقه کارگر را بشنود و ایران مهر این روز را بخورد. این بزرگترین و مهمترین پیامی است که طبقه کارگر ایران به عنوان گردانی از یک طبقه جهانی به عنوان مبشر رهایی بشریت به کل جامعه بدهد. اول مه روز همبستگی جهانی، روز اتحاد کارگران و جشن این اتحاد است.

زنده باد اول مه
زنده با سوسیالیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۵ آوریل ۲۰۲۱ (۱۶ فروردین ۱۴۰۰)

«دنیای بدون فراخوان سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم و بدون
خطر سوسیالیسم به چه منجلائی
بدل میشود..»

اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر، روز اعلام همسرنوشتی و همبستگی این طبقه در راه است. روزی که کارگران و خانواده های آنها در سراسر جهان، جمع میشوند و اعلام میدارند که به یک طبقه واحد تعلق دارند. اعلام میکنند بردگی مزدی را تحمل نمیکند و خواهان جهانی آزاد، مرفه و برابر برای همه انسانها هستند. در این روز کارگران در سراسر جهان حصارها را میشکنند، مرزها را برمیدارند، تقسیمات ملی، کشوری، نژادی، مذهبی، جنسی را مردود اعلام میکنند و به عنوان یک طبقه واحد جهانی علیه وضع موجود، علیه نظام کاپیتالیستی اعلام جرم میکنند. روزی که کارگران در تجمعات و میتینگ های کارگری خود اعلام میدارند که این طبقه مبشر رهایی کل بشریت از نابرابری، فقر و استبداد، جنگ و جنایت و توحش حاکم برجهان است. اعلام میکنند اول مه روز جشن جهانی ما کارگران، جشن همسرنوشتی طبقاتی ما است.

اول مه امسال در عین حال رنگ یک دوره جدی از دست و پنجه نرم کردن جامعه بشری با ویروس کرونا را بر خود دارد. دوره ای که طبقه کارگر و بخش محروم جامعه بشری در سراسر جهان، بیشترین قربانیان را متحمل شد. دوره ای که مرگ میلیونی در اثر بیماری، فقر و محرومیت بیشتر، در اثر بیکاری و گرسنگی و ناامنی نیروی کار کن و خالقین نعمات جامعه جهانی را به دنبال داشت. دوره ای که همه حکومتهای کاپیتالیستی حاکم بر جهان تناقض عمیق خود با نفس رفاه و حفظ جان، سلامت و زندگی انسانها را بدلیل سودپرسی و سود جوی خود، به نمایش گذاشتند. دوره ای که چهره کریه و ضد انسانی این نظام و بی رحمی و شقاوت آن را با هر روینایی، از حاکمیتهای مستبد تا حکومتهای «دمکرات» و... در زمخت ترین و جنایتکارانه ترین شکل به نمایش گذاشت. دوره ای که علیرغم هزینه ای سنگین خود به جهانیان نشان داد که نظام موجود با نفس زندگی انسان، با نفس رفاه و سلامت عمومی و با نفس آزادی انسان در تناقض است. نشان داد بشریت برای برپایی جامعه ای انسانی و سعادت مند راهی جز به زیر کشیدن کاپیتالیسم با پرچم عدالتخواهی کارگری، با پرچم سوسیالیسم، ندارد.

طبقه کارگر در ایران علیرغم حاکمیت یکی از هارترین، مستبد ترین و ضد کارگری ترین حاکمیتهای بورژوازی، هر ساله در اول مه در گوشه و کنار مملکت، صدای اتحاد کارگری، صدای کارگران و خانواده های آنها، صدای اعتراض این طبقه به نظم موجود و استثمار و بی حقوقی و صدای همبستگی آنها به عنوان بخشی از کارگران جهان به گوش همه رسیده است. هر ساله فعالین کارگری، زنان و مردان کمونیست این طبقه در تلاش بوده اند که این جشن طبقاتی را باشکوهتر برگزار کنند، تلاش کرده اند گوشه ای از قدرت متحد خود را به جامعه نشان دهند.

امروز و علیرغم پاندمی کرونا و قربانی گرفتن آن از طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، علیرغم بی مسئولیتی کامل حاکمین بورژوا و عدم تامین ابتدایی ترین امکانات مقابله با این ویروس و بی ارزشی جان و سلامت انسانها در این نظام، جامعه ایران آبست تحولات عظیمی است. طبقه کارگر ایران در تلاشی همه جانبه برای رفاه و آزادی های سیاسی، برای بهبود و زندگی شرافتمندانه، در ایجاد وسیع در جدال با جمهوری اسلامی بوده است. جامعه ای که صف محرومان آن در دیمه و آن گوشه ای از نفرت عمیق کارگران و اقشار پایین جامعه را به نظام حاکم و به جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت. اول مه امسال مهر این دوره و این کشمکش همه جانبه را بر خود دارد.

اول مه فرصتی است که نفرت عمومی این طبقه به استثمار و بردگی مزدی، به جهنم نظام کاپیتالیستی، به چهار دهه جنایت و توحش، گرسنگی و زن سیتزی و کودک آزادی به زندان و ترو، و اخراج و بیکاری، در قامت اتحاد وسیع کارگری علیه

میانیه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

دولتها و نیروهای سیاسی، میدیا و اتاقهای فکری از جایگاه این قرارداد در رقابتهای جهانی، در نجات اقتصاد ورشکسته و به بن بست رسیده ایران، در نزدیکی استراتژیک ایران به شرق و بی نیازی آن به غرب، در ارزیابی از سیاست «فشارهای حداکثری» ترامپ و نقش آن در سوق دادن ایران به نزدیکی با چین و روسیه و تصاویر متفاوتی بدست میدهند.

این قرارداد برخلاف تبلیغات وسیع جمهوری اسلامی از نقش و وزن سرمایه گذاری های «کلان» چین در ایران و در بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و باز شدن در پیچه ای برای حل معضلات اقتصادی و نجات از بحران سیاسی و اجتماعی ناشی از آن، نه میتواند و نه قرار است کشتی به گل نشسته اقتصاد ایران را نجات دهد. نه هدف چین، مانند هر دولت کاپیتالیستی دیگری، کمک به رشد اقتصاد ایران و بهبود زندگی طبقه کارگر و مردم محروم آن است و نه جمهوری اسلامی میتواند اقتصاد به بن بست رسیده خود را در دنیایی که هنوز دلار و اقتصاد آمریکا و غرب حرف آخر را میزنند، به کمک

ین و پیوستن به بازار «اورو-آسیا» نجات دهد. در اوضاع کنونی اهمیت این «معاهده» و «نقشه راه»، که هنوز تا نهای شدن بعنوان قراردادی روشن فاصله دارد، نه در وجه اقتصادی آن و سرمایه گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در اقتصاد ایران و گسترش معاملات اقتصادی و تجاری طی ۲۵ سال آینده، امری که با مشکلات و موانع متعدد سیاسی و ... روبرو است، که در وجه سیاسی آن و اهمیت آن در پیشبرد کشمکشها و جدالهای سیاسی و اقتصادی دیگری است. طرفین این «معاهده» اهدافی فراتر از اهداف اقتصادی مستتر در آن را تعقیب میکنند.

رقابتهای و شکافهای قدرتهای جهانی، تغییر توازن قوا میان قدرتهای امپریالیستی، شکلگیری بلوکها و قدرتهای جدید سیاسی و اقتصادی و جهان چند قطبی، امکانی برای مانور دولتهایی چون جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. بر مت این اوضاع و باز شدن این امکان و فرصت مانور، سیاست «نگاه به شرق»، تلاش برای نزدیکی سیاسی- اقتصادی به چین و روسیه مدتها است به استراتژی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

قرارداد ۲۵ ساله برای جمهوری اسلامی، اگر در ابتدا راه حلی برای مقابله با تاثیرات سیاست «فشارهای حداکثری» ترامپ بود، امروز علاوه بر آن اهرم فشاری است برای بازگرداندن هرچه سریعتر دولت بایدن و دول اروپایی به میز مذاکرات برجام.

برای دولت چین این قرار داد علاوه بر اینکه گوشه ای از پروژهای بزرگتر متحقق کردن استراتژی «جاده ابریشم جدید» بعنوان بخشی از سیاست خود در رقابت با آمریکا، اهرم فشاری در رقابت و کشمکش امروز با دولت آمریکا و تهدید مناطق سنتا تحت نفوذ آمریکا و غرب است. اهرم فشاری که در صورت حاد شدن این کشمکش و تهدیدات جدی آن برای دولت چین به راحتی به زمین گذاشته خواهد شد.

سکوت رسمی دولت آمریکا و عدم تقابل جدی با این قرارداد نیز بی دلیل نیست. دولت بایدن و میدیای طرفدار آن نیز با علم به ابعاد واقعی این قرارداد و موانع اجرای آن، از این قرار داد برای تأیید سیاست بازگشت به برجام و افشا و نقد تاثیرات مخرب سیاست ترامپ در متحد کردن دشمنان و رقبای آمریکا و لطمات آن به موقعیت جهانی آمریکا، استفاده میکنند.

این قرارداد راه طولانی و موانع متعددی را در مقابل خود دارد. جمهوری اسلامی که جامعه را به قهقرای فقر و فلاکت سوق داده است، علیرغم علم به موانع پیشبرد و عملی کردن این «معاهده»، آنرا بعنوان راه حلی «طلایی» در کنار «اقتصاد مقاومتی» برای نجات از بحران و بن بست اقتصادی خود در بوق و کرنا میکند. تلاش میکند تصویر حاکمیتی با ثبات که قرار است طبقه کارگر و مردم محروم آنرا ۲۵ سال دیگر تحمل کنند و به آن فرصت بدهند که آنان از چاله امروز به چاه فردا بیندازد، از خود بدست بدهد. تبلیغات حول این قرارداد و حول قدرت اقتصادی چین در مقابل آمریکا، قرار است جامعه پر تب و تاب، جامعه آبست خیزشهای توده ای علیه فقر و فلاکت،

طبقه کارگر در میدان برای تسویه حساب نهایی با حکومت چهل و فقر و استبداد را با وعده های پر طمطراق «سرمایه گذاری های زیرساختی» و «شغل زایی» و به امید «گشایش اقتصادی» دیگری به خانه بفرستد. از زاویه طبقه کارگر ایران استعمارگر ایرانی، چینی، امریکایی یا اروپایی صف مشترک دشمنان طبقاتی اش را تشکیل میدهند. طبقه کارگر ایران بعنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی در مقابل بورژوازی در هر رنگ و لباسی ایستاده است.

طبقه کارگر و مردم محروم در ایران این فرصت و این شانس برای به نابودی کشیدن زندگی خود و نسلهای آینده را به بورژوازی و نماینده تا مغز استخوان مرتجع آنرا میدهند. جمهوری اسلامی خرد شده زیر فشار جنبش برای رفاه و آزادی و امنیت زمان و فرصت برای دامن زدن به وعده های «بهبود اقتصادی»، حل معضلات معیشتی مردم و ... را ندارد. اینرا کارگران نفت، کارگران فولاد و هفت تپه، بازنشستگان و زنان و مردان آزادخواه اعلام کرده اند. نه قرارداد ۲۵ ساله، نه برجام دیگری قادر به نجات جمهوری اسلامی از بن بست اقتصادی نیستند. این بن بست و این بحران فقط یک راه حل سیاسی دارد. سرنگونی جمهوری اسلامی توسط انقلابی رادیکال و کارگری!

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۵ آوریل ۲۰۲۱ (۱۶ فروردین ۱۴۰۰)

کارگران!

برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به قدرت خود، به قدرت میلیونها انسان گرفتار در چنگال نظام فقر و استثمار و تبعیض و بی حقوقی مطلق، برای انقلاب کارگری و برپایی جهانی نو و بهتر به حزب خودتان پیوندید!
حزب حکمتیست (خط رسمی) مهمترین ابزار متحد و متشکل شدن شما، مهمترین ابزار این سرنگونی و به پیروزی رساندن انقلاب کارگری است!

زنان و مردان آزادخواه!

همه خود را برای فردای پس از جمهوری اسلامی آماده می کنند!
نیروهای راست و ارتجاعی نیروی خود را برای دست بدست کردن قدرت از بالای سر ما، خود را برای تحمیل یکدور دیگر از استثمار و فقر و استبداد به نامی دیگر، آماده می کنند و ابزار خود را صیقل می دهند!
ما، طبقه کارگر بیزار از فقر و استثمار و بی حقوقی! ما زنان تشنه رهایی از آپارتاید جنسی و تحقیر و سرکوب جنسیتی، ما جوانان و کارکنان و بیکاران و سالمندان گرفتار در چنگال نظام و حکومتی ضدانسانی، باید خود را آماده کنیم!

حزب حکمتیست (خط رسمی)، ابزار قدم نهادن به این جدال است! به حزب تان پیوندید!

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید



در حالی که این طبقه و کل زحمتکشان جامعه تحت وضعیت فلاکتباری سلامت عمومی شان له و لورده و روح و روان شان منهدم شده است. نه افزایش ناچیز پولی دستمزدها، نه یارانه های ناچیزتر نتوانسته و نمی تواند مانع نزول ده ها میلیون کارگر و زحمتکش و و حقوق بگیر و خانواده هایشان به اعماق پایین تر فقر گردد.

سلامتی عمومی یک کشور یعنی سلامتی توده مردم آن، و توده ها نمی توانند از سلامتی جسمی و روانی برخوردار شوند، مگر اینکه معیشت شان در سطح قابل قبولی تامین شده باشد.

این شرایط فلاکتبار راهی باقی نمی گذارد جز این که توده های میلیونی زحمتکشان حول ضرورت نان متحد و متشکل شوند. چرا که بدون آن هیچگونه آزادی معنایی ندارد. فقط زمانی می توانیم در قلمروی آزادی قدم بگذاریم که تمام ضروریات اساسی را که برای یک زندگی درخور نیاز داریم واقعاً تأمین کرده باشیم.

تلاش های ابلهانه و احمقانه ی حکام سرمایه داران برای توجیه سقوط اکثریت جامعه به فقر و فلاکت، به شدت نفرت انگیز است. اما این تنها ظاهر مساله است. در بطن این اوضاع، جمهوری اسلامی در حال کندن آخرین سنگرهایش در مقابل تهاجم گرسنگان است. خاکریزی که امروز رژیم در آن ایستاده است، تظاهر به ثبات سیاسی، امید به معاملات دول شرقی و غربی و مذاکرات و بند و بست های سیاسی و قراردادهای تجاری پنهانی و آشکار، برای نجات از ورشکستگی و بحران اقتصادی و همزمان به رخ کشیدن قدرت نظامی در درون و بیرون مرزها است.

اما درعمل و بطور واقعی آنچه که جمهوری اسلامی را سر پا نگه داشته است، رویارویی جنایتکارانه با تعرض لشکر زحمتکشان و گرسنگان است. رژیم امیدوار است مبارزه و اعتراضات این و آن صنف به صورت جدا جدا ی نیروی کارگران و زحمتکشان باقی بماند. اما هیچ بخش کارگری و اقشار زحمتکش بی کس و تنها نیست. تامین معیشت، علیه فقر و فلاکت امر سراسری اکثریت کارگران و زحمتکشان و اقشار محروم جامعه است. معیشت درد مشترک کل فرودستان جامعه است. و راه مقابله با آن به اعتراض مشترک نیاز دارد.

فلاکت اقتصادی، فشار سیاسی و امنیتی، فشار روانی، بیماری و مرگ و میر، فقر و فحشا مدت ها است کاسه صبر اکثریت مردم ایران را لبریز کرده است. فوران اجتماعی خشم و نفرت مردم از مسببین فلاکت جامعه از دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و مقاطع مختلف اعتراضات کارگری و توده ای، خود را نشان داده است. از طرفی ده ها میلیون انسان زیر خط فقر چیزی برای از دست دادن ندارند. در طرف مقابل طبقه سرمایه دار و حکامی به غایت استثمارگر، دزد، فاسد، اختلاسگر و فریبکار و بی شرم ایستاده است و تمام موجودیتش در خطر آماج خوسه های خشم توده ها است.

اعتراضات کارگران، اعتصابات بازنشستگان و معلمان و خشم و نفرت عمومی از فقر و فلاکت در جامعه ایران همانند خوسه های خشم و جویبارهایی است که بهم می پیوندند و بساط ستمگران و غارتگران داراییهای جامعه را بر می چیند.

نجات توده های کارگرمعتنی، بیکاران و گرسنگان در گرو همکاری و همانگی و تعاون در ابعادی کشوری است که باید توسعه پیدا کند و در همان ابعاد ارتقا یابد.

جمهوری اسلامی بر دریایی از ثروت چمبره زده است. ثروت های سرسام آور در انحصارات مالی و بانک ها انباشته شده اند. اجناس و نیازهای حیاتی جامعه در انبارهای سرمایه داران دولتی و خصوصی احتکار شده است. در کنار حجم عظیمی از نعمات، ده ها میلیون زن و مرد و کودک با شکم گرسنه قرار دارد. کارگران و زحمتکشان برای دسترسی به این ثروت و نعمات، شبانه روز خواستهای فوری و ضروری و حیاتی زندگیشان را فریاد می زنند. گرسنگان جامعه با وجود این که می دانند این ثروت توسط پاسداران سرمایه حفاظت می شود، اما هر کجا بتوانند، اموالی که مالکیت مقدس سرمایه داران است را باز پس می گیرند و مصادره می کنند. مصادره ی نیازهای حیاتی زندگی، حق مردم گرسنه است.

جمهوری اسلامی، سرمایه داران باید در انتظار دستبرد زحمتکشان گرسنه به اموال

احتکار شده مثل نان و گوشت و میوه و خواربار... باشد. باز پس گیری و دسترسی به نعمات جامعه، نیاز توده های میلیونی زحمتکشان در سراسر ایران است. نیاز این و آن بخش و صنف اجتماعی نیست، نیازی عمومی است. معیشت امر عمومی توده های عظیم محرومان است. تامین معیشت و بیرون کشیدن نان سفره خانواده ها و کودکانشان از حلقوم سرمایه داران و محافظانشان به مبارزه ای هماهنگ و بهم پیوسته و سراسری نیاز دارد.

تشدید مبارزه اقتصادی، فشار برای گشودن درب انبارهای محتکران، مصادره ی نیازمندیهای حیاتی، ایجاد کمیته های توزیع در محلات، در یک جدال سراسری و با رهبری خردمندانه ی پیشروان کارگران و زحمتکشان، به اولویت و امر حیاتی و ممانتی جامعه تبدیل شده است.

بگذار سرمایه داران و دولتمردانشان در پشت دیوارهای بتونی دولت و مجلس و دستگاه قضایی و کاخ های حفاظت شده برخورد بزرزند و مدام ورد همه چیز خوب است بخوانند و به دور خود فوت کنند. هیچ چیزی خوب نیست. اگر برای اکثریت جامعه هیچ چیزی خوب نیست، برای اقلیت مفتخور و تکیه داده بر تفنگ سپاهیان اصلا خوب نیست. اگر حال مردم بد است، ثروتمندان و احتکار گران و بانکداران و دولتی ها و نظامی ها، نمی توانند خواب خوش و آرامی داشته باشند.

هر روز سوت کارخانه ها به نشان اعتصاب کارگران، شعارهای کوبنده ی تظاهرات و تجمعات توده ای زحمتکشان معلم و بازنشسته و بیکاران و صدای خشم زنان و مردان...، زنگ خطری مرگبار برای وحوش افسار گسیخته و زالوهای دولتی و نظامی چاق شده از مکیدن خون کارگران است.

جمهوری اسلامی فکر می کند در حصار نیروهای نظامی و امنیتی و زندان هایش می تواند به حیات خود ادامه دهد. اما همه معادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بیداری کارگران و توده های حق طلب دال بر ناامنی وحشتناک حراست کنندگان این نظام است. در واقع این کل نظام پوسیده و ترک خورده است که در محاصره ی ده ها میلیون کارگر صنعتی، بیکاران، گرسنگان و زحمتکشان حاشیه شهرها قرار دارد.

کمونیست ها، کارگران! مردم!

خوسه های خشم تان را با اتحاد و همبستگی و مبارزه سراسری بهم گره بزنید. خطر فقر و گرسنگی و فلاکت و سلامت عمومی، همگانی است. سراسری است. فقر و فلاکت و فحشا، گرسنگی و بیماری و مرگ، درد مشترک اکثریت جامعه است. درمان این درد از عهده ی این و آن صنف و بخش جدا از هم جامعه، بر نمی آید. هر اعتراضی در هر گوشه ی جامعه و از طرف هر بخش مردم فقیر و زیر خط فقر مثل عملیات های ایذایی است. در حالی که در مقابل اقلیت شکم سیران بی وجدان و جنایتکار، لشکر عظیم ده ها میلیونی کارگران و زحمتکشان با خواست مشترک تامین معیشت کامل قرار دارد.

مشت های گره کرده توده های معترض، اعتصابی و تجمعات گسترده و پیوسته می تواند قدرتمندترین نیروی بورژوازی حاکم و تفنگچی هایشان را از پا در آورد. این را تاریخ به کرات نشان داده است. خامنه ای فقط یک بار می تواند به نیروهای نظامی اش دستور دهد که در آبان ۹۸، هر اندازه لازم باشد بکشید و شورش گرسنگان را سرکوب کنید. این کاری نیست که حاکمان بتوانند هر بار امتحان کنند. این بار طبقه کارگر و توده های میلیونی زحمتکشان زن و مرد هستند که دستور می دهند و گلوئی نظام را آنقدر می فشارند تا تسلیم شود. کاری که کارگران نفت در انقلاب ۵۷ کردند.

کمونیست ها و سوسیالیست ها در صف مقدم رهبری و پیشروی مبارزه ی کارگران و زحمتکشان قرار دارند. رهبران و پیشروان مبارزه ی مردم، هر بار و در هر تعرض برای معیشت و آزادی می توانند کل جامعه را مورد خطاب قرار دهند. خود را رهبر مبارزه سراسری زحمتکشان بدانند. هر عضو رهبر و پیشرو هر بخش جامعه می تواند خود را در موقعیت رهبری کل جنبش اعتراضی و مبارزه برای معیشت و آزادی قرار دهد. فعالین و رهبران کارگران و زحمتکشان در قامت رهبری جامعه می ایستند. بگذار بورژواهای احمق و ابله فریه شده در نظام جمهوری اسلامی، از نفوذ کلام و قدرت رهبری کارگران و زحمتکشان کمونیست و پیشروان مردم قالب تهی کنند و می کنند. بگذار دشمنان در مقابل خواست سراسری کارگران و زحمتکشان سر فرود آورند و سنگر به سنگر به عقب نشاندن شوند. ما در این جنگ طبقاتی، باید بیوز شویم، محبوریم بیوز شویم.

نه قومی نه مذهبی زنده باد بهویت انسانی

در مقابل با این موج عظیم اعتراض عمومی که کل این نظام را نشانه گرفته است، از یکطرف، جناح حاکم با شاخ و شانه کشیدن، و جلو راندن نمایندگان نیروی نظامی و سپاه سعی دارد که توانایی های دستگاه های سرکوب را در مقابل هرگونه اعتراضی به رخ مردم بکشد. از طرفی دیگر، بخشی از حاکمیت در هراس نابودی کامل «نظام»، سعی در «همراهی» و «طرفداری» از مردم دارد و تبلیغات خود را حول «مقصر» جلوه دادن جناح حاکم، سازمان داده است. اگر جناح حاکم با ارجاع به رژه قداره بندان خود، در مقابل مردم ایستاده است، جناح دیگر، این به اصطلاح «ضد دیکتاتورها»، سیاست خود را بر علیه سلطه ولی فقیه، «علیه فقر و فلاکت میلیونی متمرکز کرده اند. داد و فغان های این جناح علیه وضعیت نابسامان اقتصادی، از «فساد اقتصادی» و سخنرانی در مدح رفاه و آزادی که به تکبیر و صلوات برای «چگوارا اسلامی» کشیده شده است، بیش از هر دوره دیگری، ناتوان از نجات «نظام» و حاکمیت شان است.

جامعه ای که تقسیم بندی های جناحی درون جمهوری اسلامی، از سبز و سیاه و بنفش و غیره را در یک کاسه گذاشته و پایان این خیمه شب بازی «بد و بدتر» را اعلام کرده است، جامعه ای که هر روز در گوشه و کنار آن اعتراض خود علیه کل حاکمیت و وضع موجود، و با حرارت و طپش بالایی دامنه میدهد، جامعه ای که دهها و صدها «کانون بحرانی» علیه حاکمیت دارد، را نمی توانست بار دیگر در انتظار و امید به «بازگشایی»، به «فضای باز سیاسی»، به بهبود و ... نکه دارند. حاکمان امروز به خوبی به درجه انزجار و خواست عمومی مردم برای سرنگونی واقف هستند و همین را به کرات اعلام کرده اند. در ایران پسا دیماه ۹۶ امکان هرگونه استفاده از نزاع های جناحی برای به خانه فرستادن مردم از میان رفته است. سیاست انتخاب «میان بد و بدتر» سیاست سوخته ای است که مدتهاست کارایی خود را از دست داده است. نه کمپین تبلیغاتی چهرهای منفوری چون ضرغامی با شعار «نان، مسکن، آزادی» و «من عاشق چگوارا هستم» هم میتواند انتخاباتشان را پرشور کند و نه تلاش در کاندید کردن چهره ای که بتواند بالا را در مقابل موج نفرت و خیزش علیه بنیادهای نظامشان متحد کند و متحد نشان دهد.

در این اوضاع جمهوری اسلامی بیش از گذشته دست به گروگان گرفتن، نان و مسکن و زندگی مردم زده است و با سلاح تحمیل گرانی سرسام آور و فقر روزافزون به اکثریت عظیم جامعه، به جنگ مردم رفته است. سران جمهوری اسلامی میدانند که در این شرایط بحرانی و کساد بازار انتخابات، باید به فکر امروز خود و به نمایش گذاشتن چهره ای متحد و با «انسجام درونی» باشند. کاریکاتوری که قرار است امکان امتیاز گیری و حفظ «نظام» را، بالاخص در مذاکرات پیش رو با دولت ها و قطب های سرمایه جهانی را، ممکن سازد. تمام سعی مقامات جمهوری اسلامی در سرعت به نتیجه رساندن هر قراردادی، هرچند کوتاه مدت، برای ارائه راه حلی برای برون رفتن از این وضعیت وخیم، بر همین مبنا، شکل گرفته است. قرارداد ۲۵ ساله و میاهوی حول آن، آغاز مجدد مذاکرات برجام و ... همگی راهی برای نجات از این بحران است. راههایی که امروز دیگر برای مردم نه قابل قبول و نه پیشگیرنده از وخیم تر شدن موقعیت و زندگی شان است.

این شرایط، عرصه ابراز وجود را برای اپوزیسیون راست به مراتب تنگتر کرده است. اوضاع فعلی بگونه ای است که دیگر امکان زد و بند از بالای سر جامعه، مانند تجربه انقلاب ۵۷ را نیز همراتب دوردست تر کرده است. مردمی که سرکوب حکومت اسلامی را در مقابل خواست های خود در همان انقلاب تجربه کرده اند، حی و حاضر در مقابله با چنین سناریوی ایستاده اند. مردمی که اینبار از جوان و سالمند، بیکار و شاغل و بازنشسته و ... خواهان تغییرات اساسی در زندگی خود هستند، را نمی توانست بار دیگر به وعده و وعید «همه باهم»، روانه خانه کنند. این مردم هستند که در حال حاضر، نه دل به فرمایشات حضرات از رادیو بی بی سی و میدیای دست راستی، نه دل به دخالت های دول امپریالیستی بسته اند و خود با توان خود، حاکمیت را به چالش طلبیده اند. در حالیکه اپوزیسیون راست «جسورانه» و «انقلابی» بالاخره بعد از هزار آکروبات بازی خواهان «تحریم انتخابات» شده است، مردم نه تنها کل این مضحکه انتخاباتی را مردود اعلام کرده اند، بلکه پایان دوره هرگونه ادامه این نوع حکومت های مرتجع، چه با عمامه و چه با کراوات، را اعلام کرده اند. اداره شورایی امروز خواست میلیونی مردم در ایران است. ظاهرا اپوزیسیون راست و اخیرا «نه» به جمهوری اسلامی، اینبار هم دیر از خواب بیدار شده و البته با «اعتماد به نفس» عجیبی اصرار دارد خود را مبتکر «عدم شرکت در انتخابات» یا «تحریم انتخابات» جا بزند. دوستان گرامی دیر به قافله رسیده اید! مردم از شما هم عبور کرده اند!

آنچه که امروز ایران را نه تنها با دیگر کشورها، بلکه حتی با دوره های اخیر خود، متفاوت می کند در همین نکته است که جناح های بورژوازی را نه از گفتمان ها و شعارهایشان، نه وعده و وعیدهایشان و نه حتی درجه مخالفت شان با یکدیگر، بلکه بر مبنای راه حل بهبود شرایط واقعی زندگی شان محک مزنند. اگر یک دهه اعتراضات در حران در ایران، در بسیاری از کشورهای دنیا

به تعویض و یا حتی منحل شدن دولت ها و دست بدست شدن حاکمیت از یک جناح به جناحی دیگر منجر می شود و یا هر چند سال یکبار با رفتن به صندوق های رای و «بدون تقلب»، دولت تغییر می کند، در ایران، این اعتراضات نه فقط علیه حاکمیت و «راه حلهای» سیاسی و اقتصادی آن که علیه بورژوازی، چه در پوزیسیون و چه در اپوزیسیون، است. اعتراض امروز در ایران، با مطالبه رفاه و آزادی و برابری، بنیادهای سیستم اقتصادی را نشانه گرفته که بورژوازی در قدرت و بورژوازی در اپوزیسیون بر سر آن مشترک المنافع اند!

امروز در ایران، نه «ضعف» حاکمان، و نه قول های «مخالفین»، معیار انتخاب نیست. پاسخ واقعی و حی و حاضر در ایران موجود است، امروز آلترناتیو دیگری، آلترناتیو کارگری-سوسیالیستی در جامعه تنها آلترناتیو مطلوب طبقه کارگر و زحمتکشان و آزادیخواهان است. آلترناتیو کارگری که به درستی، بهبود اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در جامعه را به تغییرات اساسی و پایان دادن به بنیادهای اقتصادی و سیاسی نظام حاکم بر آن گره زده است. آلترناتیو که سوسیالیسم و حکومت را با اداره شورایی، حکومت مردم بر مردم را ممکن می سازد. انتخابات در شوراهای مردمی، انتخاباتی که مردم نه تنها نمایندگان خود را در آزادی کامل انتخاب میکنند، بلکه هر لحظه که اراده کنند و هرلحظه نمایندگانشان برخلاف خواست آنان عمل کنند، می توانند آنان را عزل کنند. شوراهای مردمی که قادر به رسیدگی و کنترل تمامی وجوه اداره کشور را دارد.

این انتخاب واقعی طبقه کارگر و مردم در ایران است. این صدا و ندایی است که امروز از ایران به روشنی به گوش می رسد. کافی است پنبه ها را از گوش در آورید تا غرش این جنبش عظیم آزادیخواهانه را بشنوید! «انتخابات پرشور» و «تحریم انتخابات» بورژوازی هم نجاتشان نمیدهد!



درس های پدیده برلین چاپ دوم از انتشارات حزب حکمتیست (خط رسمی)

برای رهایی از استثمار، برای یک زندگی
انسانی، آزاد و برابر به حزب خود،
حزب حکمتیست (خط رسمی)،
پیوندید!

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

گسترش اعتراضات و عمیقتر شدن بحران حاکمیت

چند روز گذشته ایران شاهد موج گسترده دیگری از اعتراضات بازنشستگان و مستمری بگیران، اعتراضات وسیع کارگران در هفت تپه و گروه ملی فولاد و اعتراضات و اعتصابات کارگری، به گستردگی تمام ایران بود. اعتصاب برای بهبود شرایط زندگی، اعتراض به پایین بودن دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، به اخراج و بیکارسازی علیه قراردادهای موقت یک ماهه و چند ماهه، اعتراض به ناهمسانسازی مستمری بگیران و وضعیت به شدت نازل معیشتی و ... تنها بخشی از مطالبات اعتراضات این دوره هستند. فقر و فلاکت، تورم و گرانی و اقتصاد بحران زده و بیمار تنها گوشه هایی از یک تصویر بزرگتر جامعه بحران زده ایران است با حکومتی ارتجاعی و مستبدی است که سنگینی تمام این بحران را روی دوش طبقه کارگر گذاشته است.

طبقه کارگر به میدان آمده است و دیگر این وضعیت را تحمل نمی کند و فریاد «دولت سرمایه دار، دست از سر ما بردار» بیان عمیق اعتراضات کارگران و بازنشستگان و بخش محروم جامعه و خصلت های نفرت یک طبقه به وسعت ایران به جامعه طبقاتی کنونی است. شعارهای «انتخابات بی انتخابات» و «ما دیگر رای نمی دیم، عدالتی ندیدیم» و ... بیان عبور طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه، از جمهوری اسلامی و تلاش برای سرنگونی آن به عنوان تنها راه نجات از این وضعیت است.

حاکمیتی که عاجز از تامین ابتدایی ترین نیازهای جامعه است، حاکمیتی که تمام پلهای پشت سر خود را در طول چهار دهه حاکمیت خود ویران کرده است، حاکمیتی که ارمغانش برای جامعه در طول این چهاردهه چیزی جز فقر و فلاکت و گرسنگی و نا امنی نبوده و برای تداوم حیات خود تنها متکی به سرکوب و ایجاد اختناق سیاسی بوده است. ادامه این وضعیت دیگر ممکن نیست و ناکارآمدی این رژیم در تامین حداقلهای زندگی، جامعه را در جهت یک انفجار عظیم اجتماعی سوق داده است. رژیمی که عاجز از تامین معیشت جامعه است، راهی جز مصادره انبارهای کالاهای وسیع و تلبار شده را برای مردم نگذاشته است. مصادره یک مرغداری در نیکشهر تنها نمونه چنین فضای ملتهب در تمام شهرها و شهرکهای است که شهروندان آن باید روزها در صفهای طویل سهمیه مرغ آنهم با قیمت گزاف به انتظار مانند کارگر هفت تپه دفتر امور اداری را کنترل می کند، کارگر فولاد فریاد دفاع از همکاران اخراجی اش را سر می دهد و مستمری بگیران شعار «رژیم سرمایه دار دست از سر ما بردار» را فریاد می زنند.

این سیمای جامعه ایی است با وجود یک سیستم کاملاً پلیسی و مختنق و با وجود کشتار و زندان سیستماتیک، نیروی کارکن و مولد آن تصمیم گرفته است با قدرت خود سهمی از تولیدات خود و ثروت جامعه را برای نجات از گرسنگی از حلقوم سرمایه داران و حکومتش بیرون بکشد. تصمیم گرفته است دیگر فقر و فلاکت و گرسنگی تحمیلی را قبول نکند و خودش راساً برای کنترل جامعه وارد میدان شود. این سیمای جامعه ایی است که حول طبقه کارگر و مطالبات این طبقه که جامعه مرفه و آزاد است، قطبی شده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن دفاع بی اما و اگر از این اعتراضات و از مطالبات کارگران و مردم به ستوه آمده، تلاش میکند اعتراضات و مبارزات این دوره همه اقشار محروم جامعه را در اتحاد با طبقه کارگر و زیر پرچم جنبش عدالتخواهانه این طبقه متحد کند. جامعه ایران تشنه یک راهی واقعی، یک راهی سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر است. حزب حکمتیست در این مسیر در کنار این طبقه و رهبران و فعالین کمونیست آن از هیچ تلاشی کوتاهی نخواهد کرد و برای تضمین پیروزی این طبقه میکوشد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۶ آوریل ۲۰۲۱

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!